



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۱، پیاپی ۵

## تحلیل وضعیت توزیع خدمات و جمعیت در مناطق روستایی استان ایلام با استفاده از ضریب جینی و منحنی لورنز

فرزاد کرمی<sup>۱</sup>، سکینه کرشاهی<sup>۲\*</sup>

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴

### چکیده

نحوه پراکنش خدمات روستایی نشانگر میزان رشد و توسعه یافتگی مناطق روستایی و بالطبع نحوه نگرش به ساز و کارهای برنامه ریزی غیرمتمرکز در سطح کشور می باشد. در پراکنش خدمات روستایی در مراحل اولیه توسعه یافتگی، توجه به شاخص های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت بسیاری است. سنجش و ارزیابی نحوه توزیع موضوعات و عوامل مؤثر در توسعه و درجه برابری یا نابرابری در توزیع یکی از روش های شناسایی وضعیت جامعه و سطح توسعه آن است. پژوهش حاضر در پی آن است که به بررسی ارتباط بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی روستایی بپردازد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، روستاهای استان ایلام می باشند. داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ استان ایلام به دست آمده است و با استفاده از شاخص یا ضریب جینی و منحنی لورنز به مقایسه ی وضعیت توزیع خدمات با توجه به جمعیت در مناطق روستایی استان پرداخته شده و مورد تحلیل قرار گرفته اند. یافته ها نشان می دهد که در سال ۱۳۹۵ برابری بیشتری در توزیع خدمات با توجه به جمعیت در مناطق روستایی استان وجود داشته است و در سال ۱۳۹۰ برعکس (نابرابری در توزیع خدمات).

واژه های کلیدی: خدمات، جمعیت، مناطق روستایی، ضریب جینی، منحنی لورنز.

## مقدمه

در جهان امروز، بحران های جوامع بشری در نابرابری های اجتماعی و فقدان عدالت ریشه دارد. رفیع پور، ۱۳۷۶، ۶۵). یکی از مهمترین این نابرابری ها در برخورداری از خدمات عمومی در نواحی سکونتگاهی است. وجود چنین نابرابری و عدم تعادل فضایی در نواحی مختلف، به هیچ وجه پدیده ای جدید در کشورهای جهان نیست. اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت های اجتماعی - اقتصادی و نابرابری و عدم تعادل در خدمات عمومی، تفاوت های فضایی تشدید شده است. امروزه با افزایش رشد جمعیت، فقدان مراکز خدمات کافی و آسفتگی در توزیع و مکانیابی خدمات مسائل عمده ی مناطق سکونتگاهی هستند و با عدم توزیع عادلانه خدمات عمومی در شهرها و روستاها، کیفیت زندگی به خطر افتاده است. بنابراین، توزیع امکانات باید مبتنی بر اصل عدالت باشد و بتواند عدالت فضایی و توزیعی بین مناطق مختلف را فراهم کند. بنابراین، مبحث نابرابری های فضایی در کشورهای در حال توسعه و برقراری عدالت اجتماعی در برخورداری ساکنان از خدمات عمومی به یکی از مباحث جدی پیش روی برنامه ریزان و مدیران تبدیل شده است (تابعی و همکاران، ۱۳۹۴).

توزیع نامتناسب و ناهماهنگ خدمات باعث ایجاد نابرابری در دسترسی می شود که یا به علت توزیع نامناسب مکانی این مراکز خدماتی یا به علت کمبود نیروی خدماتی با توجه به تقاضای این خدمات به وجود می آید (رستمی و همکاران، ۱۳۹۴، ۴).

در صورتی که توزیع متعادل امکانات و خدمات می تواند گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل های منطقه ای باشد. زیرا هر چه قدر تفاوت های منطقه ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد، منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب های پر جاذبه می گردد (خاکپور، ۱۳۸۵، ۱۳۴).

نحوه توزیع عوامل اجتماعی و اقتصادی، منابع، امکانات و فرصت ها یکی از شاخص های اساسی توسعه به شمار می رود. چنان که بسیاری از راهبردهای توسعه هدف خود را دستیابی به الگوی مناسبی از توزیع عوامل، منابع و فرصت ها بین گروه های مختلف جامعه تعریف می کنند. توزیع متعادل و برابر عواملی همچون درآمد، زمین، آب و سایر منابع تولید کشاورزی، بهره مندی برابر از امکانات، فرصت ها و پیامدهای توسعه در سطح جامعه روستایی، ممکن است معرف جامعه متعادل و توسعه یافته باشد. همچنان که نابرابری در توزیع این عوامل نشان دهنده جامعه نامتعادل و توسعه نیافته است. بنابراین سنجش و ارزیابی نحوه توزیع موضوعات و عوامل مؤثر در توسعه و درجه برابری یا نابرابری در توزیع یکی از روش های شناسایی وضعیت جامعه و سطح توسعه آن است.

نابرابری و عدم تعادل نه تنها بین جامعه و نواحی روستایی با نواحی غیر روستایی به شکل چشمگیری وجود دارد، بلکه این نابرابری در درون جوامع و مناطق روستایی نیز به شکل آشکاری وجود دارد. نابرابری در توزیع زمین، توزیع درآمد، توزیع شغل، بهره مندی از منافع توسعه و فرصت های توسعه از جمله این نابرابری هاست.

بدیهی است که برای شناخت دقیق روستا که پایه هرگونه برنامه ریزی و تصمیم گیری به شمار می رود، تعیین دقیق نوع و شدت نابرابریها در زمینه های مختلف اهمیت بسیاری دارد.

مدل های سطح بندی ممکن است به تعیین سطح توسعه روستاها کمک کند و به بیان وضع موجود روستاها در شرایط مقایسه ای پردازد، همچنین اولویت مکان ها و مناطق روستایی را در برنامه های توسعه و تعیین مکان اجرای طرح ها و پروژه ها و حتی تعیین اولویت نوع طرح ها و پروژه ها دست یافت و از این طریق به ساماندهی نظام سکونتگاهی مناسب در سطح مناطق روستایی با حداکثر کارایی و حداقل نابرابری دست یافت. مدل های تعیین کننده سطح برابری یا نابرابری، ممکن است برنامه ریزان روستایی را در تعیین اولویت موضوعاتی که باید در برنامه ها مورد توجه قرار گیرند، همچون کاهش نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی، دسترسی نابرابر به منابع و فرصتها کمک کنند. از این مدل ها در سطح روستا، در سطح مناطق روستایی، یا سطوح فضایی بزرگتر منطقه ای، ملی و حتی بین المللی می توان به عنوان ابزار کسب شناخت، تصمیم گیری و برنامه ریزی استفاده کرد. هر چند که محقق و برنامه ریز روستایی با توجه به نگرش، شناخت و تحلیل خود به استفاده از این مدلها به عنوان ابزار کمکی می پردازد و نوع استفاده و جایگاه به کارگیری آنها را مشخص می کند (جمعه پور، ۱۳۸۹، ۲۵۴-۲۵۵).

روش های بسیاری برای اندازه گیری توزیع وجود دارد؛ مثلاً برای بررسی نحوه توزیع درآمد و درجه نابرابری در توزیع آن می توان از معیارهای توزیع دهگانه، منحنی لورنز و ضریب جینی استفاده کرد (جمعه پور، ۱۳۸۹، ۲۴۵-۲۴۶).

### مبانی نظری

امروزه برنامه ریزان کشورهای در حال توسعه عمیقاً به این مطلب پی برده اند که مکان یابی خدمات و تسهیلات زیرساختی نقش با اهمیتی در بهبود توسعه نواحی روستایی این کشورها بازی می کنند و به این امر اذعان دارند که بهبود دسترسی جوامع روستایی به خدمات اساسی، ابزاری مهم در شتاب بخشیدن به توسعه منطقه ای به شمار می رود (افتخاری و ایزدی، ۱۳۸۰، ۳۱). بنابراین در مفهوم توسعه لازم به ذکر است امروزه مفهوم آن دیگر از رشد اقتصادی صرف خارج شده و با مفهوم توسعه انسانی، عدالت اجتماعی و بهبود توزیع، امکانات و خدمات پیوند خورده است (آسایش، ۱۳۸۱). بر این مبنا توسعه متعادل و هماهنگ مناطق، یک پیش نیاز بسیار مهم برای حصول پایداری اقتصادی و پیشرفت یکپارچه کشور به شمار می رود (Martic & Savic, 2001) در این راستا هدف کلی برنامه ریزی فضایی، نیز سازماندهی فضای سرزمین در عین بهره برداری خردمندانه از آن در راستای چشم انداز بلندمدت توسعه در ابعاد و مقیاس های گوناگون می باشد (زیاری، ۱۳۸۹). بر این اساس سیاست برنامه ریزان روستایی باید در جهتی باشد که توسعه پایدار روستایی اساس فعالیتها باشد (شکور و همکاران، ۱۳۹۲، ۶۳). یک برنامه توسعه روستایی باید در برگیرنده فرآیندهای توسعه ای نظیر توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و توسعه مشارکتی در سطح روستاها باشد)

سعیدی، ۱۳۸۸). پذیرش این اصل، که توسعه پایدار مستلزم برقراری عدالت اجتماعی و فضایی در روستاها است، رفع نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی، آسیب پذیری اقلیت کم درآمد، توزیع بهینه خدمات و امکانات، توجه به نیازهای اساسی روستاییان، هرچه بیشتر به اهمیت نگرش به توسعه پایدار می افزاید.

نابرابری فضایی را میتوان به اختصار توزیع نابرابر فرصتها و مواضع اجتماعی در فضا دانست. در واقع نابرابری فضایی که واژه ای مرکب از نابرابری و فضا است، نوعی از نابرابریهای اجتماعی را ترسیم می کند (دهقان، ۱۳۸۶، ۱۲۷).

در واقع مسئله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه می باشد؛ به ویژه برای آن دسته از کشورها که قلمرو حاکمیت آنها مناطق جغرافیایی وسیعی را شامل می شود. این نابرابری ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل و متوازن مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می نماید (Shankar & Shah, 2003). نابرابریهای منطقه ای از مسایل عمده و نگران کننده در بیشتر بخش های جهان است، از این رو، برای سیاستگذاران، کاهش نابرابری منطقه ای، بخشی از هدف اجتماعی عمومی برای کاهش نابرابری، به طور کلی و نابرابری بین افراد، به طور ویژه است (Dupont, 2007). در واقع نابرابریهای منطقه ای، تداوم چالشهای توسعه در بیشتر کشورها را نشان می دهد (Shankar & Shah, 2003). توجه به نابرابری های فضایی و بی عدالتی فضایی در مطالعه های جغرافیایی در طول دهه ۱۳۴۱ نمایان شد و تمایلی نیز به تأثیر سیاست عمومی وجود داشت. بعدها پست مدرنیسم بر تنوع و تفاوت تأکید کرد و آن را ستود (Smith, 1994).

بنابراین رفع عدم تعادل های منطقه ای لازم و ضروری است. توجه به توسعه نواحی مختلف و تعادل بین نواحی از دیدگاه برخورداری از امکانات، تسهیلات و سایر شاخصهای اقتصادی و اجتماعی می تواند در راه نیل به اهداف کمی و کیفی، برنامه کلان تخصیص منابع را، تحت تأثیر قرار دهد، و چارچوب سیاستگذاری منطقه ای را سازماندهی کند. از این رو، رفع نابرابری های منطقه ای یکی از مسائل مهم سیاست گذاری در برنامه ی سوم توسعه ی ایران محسوب شد (نوربخش، ۱۳۸۲).

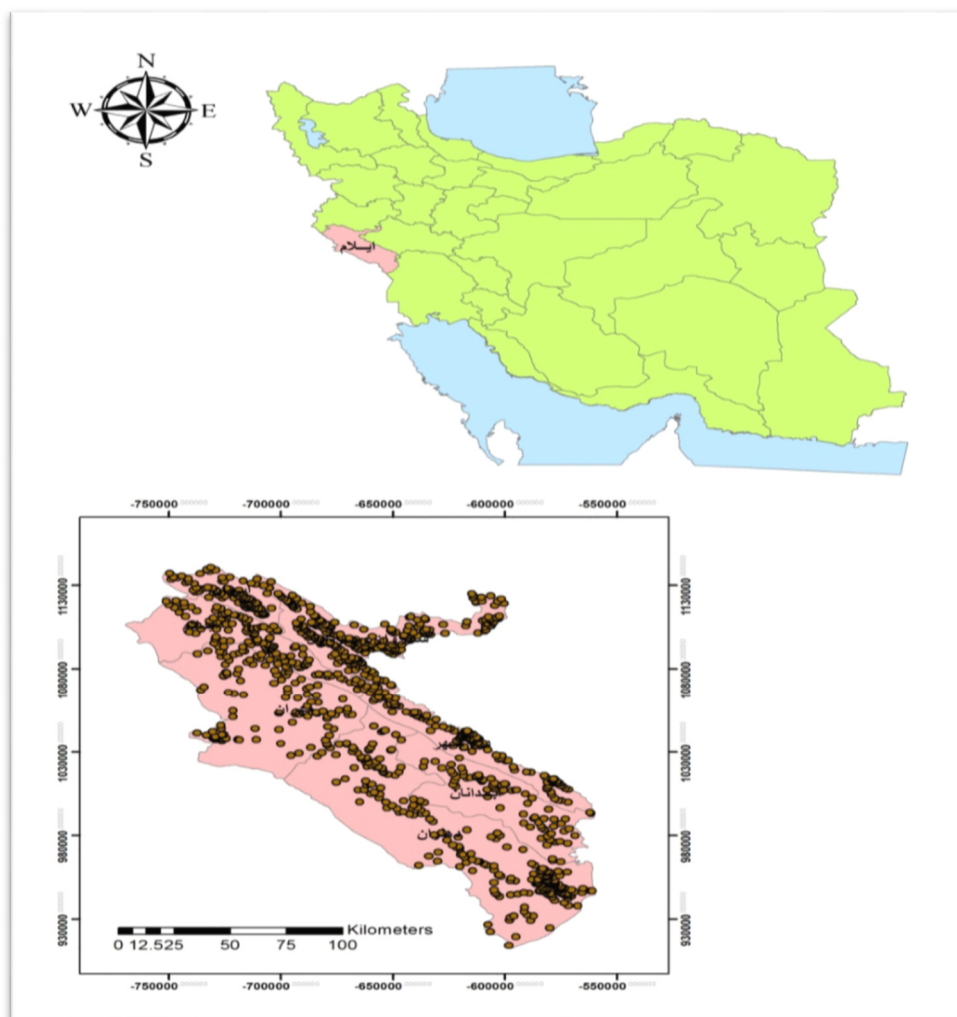
توزیع نامتناسب و ناهماهنگ خدمات باعث ایجاد نابرابری در دسترسی می شود که یا به علت توزیع نامناسب مکانی این مراکز خدماتی یا به علت کمبود نیروی خدماتی با توجه به تقاضای این خدمات به وجود می آید (شرف زادگان و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۶۵).

چگونگی توزیع مکانی جمعیت نیز، یکی از مباحث مهم ساختار جمعیت است. توزیع نامتناسب و نامتعادل آن نیز ناشی از عوامل متنوع طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی است (مهاجرانی، ۱۳۸۹، ۴۵). در واقع جمعیت به عنوان یکی از عناصر بنیادی در برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود. بر این اساس آگاهی از چند و چون جمعیت و شناخت ساختار، ابعاد و گستردگی فضایی آن از ابزارهای مهم تصمیم گیری و برنامه ریزی به شمار می رود (مهدوی، ۱۳۸۵، ۱۱۴). البته پراکندگی جمعیت در فضای جغرافیایی، از دو بعد قابل بررسی است؛ یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار

جمعیت در نقاط روستایی و شهری که برای درک سازمان فضایی و الگوی استقرار جمعیت روستایی ضروری است (معزی، ۱۳۷۱). بنابراین سازمان فضایی متعادل در روستاها، نوعی از پایداری روستایی است که این پایداری زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در روستاها به وجود آید.

### محدوده ی مورد مطالعه

محدوده ی مورد مطالعه در این تحقیق مناطق روستایی استان ایلام به تفکیک شهرستان ها (ایلام، دهلران، دره شهر، شیروان و چرداول، مهران، ایوان، آبدانان) می باشد که با استفاده از داده های مرکز آمار ایران برای دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به مقایسه ی وضعیت توزیع خدمات با توجه به جمعیت در مناطق روستایی استان پرداخته شده است.



شکل ۱: موقعیت سیاسی استان ایلام

## روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، روستاهای استان ایلام می باشند. داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ استان ایلام به دست آمده است و با استفاده از شاخص یا ضریب جینی و منحنی لورنز به مقایسه ی وضعیت توزیع خدمات با توجه به جمعیت در مناطق روستایی استان پرداخته شده و مورد تحلیل قرار گرفته اند.

مفهوم شاخص یا «ضریب جینی» (*Gini Index*) وابستگی نزدیکی به مفهوم منحنی لورنز (*Lorenz Curve*) دارد. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک و برابر است با «سطح محصور» بین «منحنی لورنز» و «خط توزیع کاملاً برابر». در حالتی که منابع و ثروت های جامعه به صورت «کاملاً عادلانه» بین افراد توزیع شده باشد، منحنی لورنز به خط «توزیع کاملاً برابر» می چسبد و ضریب جینی برابر صفر می شود. برعکس در حالت «توزیع کاملاً نابرابر ثروت» در یک جامعه یعنی انحصار مطلق (همه ثروت جامعه دست یک نفر باشد در حالی که سایر افراد ثروتی معادل صفر دارند) ضریب جینی مساوی با یک خواهد بود.

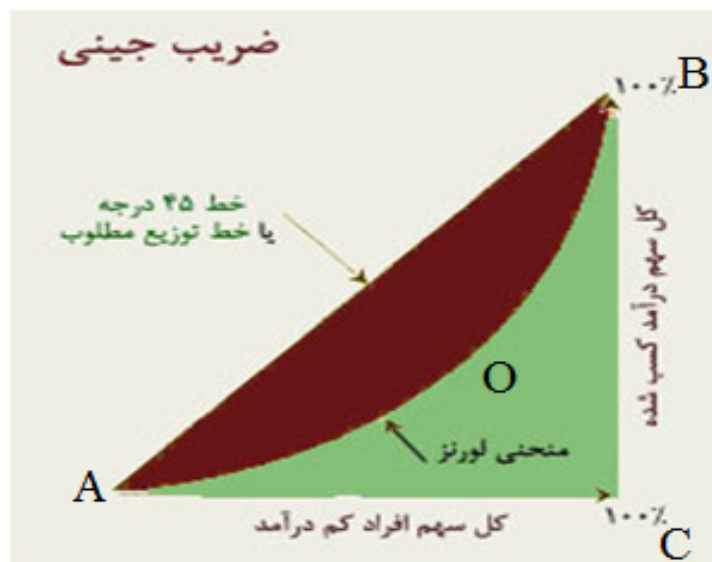
منحنی لورنز و ضریب جینی دو وجه یک روش هستند که نابرابری توزیع فردی یا منطقه ای یک متغیر را بررسی می کنند. بنابراین برای مقایسات طولی (نابرابری های درون یک منطقه در مقاطع زمانی مختلف) نابرابری مناطق مختلف در یک مقطع زمانی مناسب هستند. بنابراین در این تکنیک دو متغیر داریم:

متغیر اول الزاماً جمعیت است و این همیشه روی محور افقی ( $x$ ) نمودار می شیند. متغیر دیگر که اصل مطلب است (*Variable of interest*) یعنی متغیری که علاقمندیم مطالعه کنیم (روی محور عمودی ( $y$ ))، این متغیر بستگی دارد به واحدهای متغیر اول (چون سطوح تحلیل یا سنجش متفاوت هستند). مثلاً اگر با افراد سرو کار داشته باشیم متغیر ( $y$ ) درآمد و اگر با خانوارها سروکار داریم سرانه ها و اگر با مناطق سرو کار داریم خدمات.

## منحنی لورنز

نموداری است که برای نشان دادن نحوه توزیع موضوع یا نسبت توزیع دو عامل یا متغیر به یکدیگر از آن استفاده می شود. برای رسم منحنی لورنز، ابتدا باید مقادیر یا سهم هر متغیر به درصد تبدیل شود. سپس با مرتب کردن درصدها از کم به زیاد یا برعکس، براساس یکی از متغیرها، درصد فراوانی تجمعی مقادیر دو متغیر مشخص شود. پس از تبدیل مقادیر به درصد فراوانی تجمعی برای رسم منحنی، مقادیر مذکور روی محور مختصات  $X$  و  $Y$  مشخص می شوند. به این صورت که درصد مربوط به جمعیت یا متغیر مستقل در محور

افقی ( $X$ ) و درصد مربوط به متغیر وابسته مانند درآمد یا زمین روی محور عمودی ( $Y$ ) تعیین می شوند. این دو محور براساس درصد و با اندازه یکسان تقسیم بندی می شود و به این ترتیب منحنی خاصی در درون یک مربع به دست می آید که به منحنی لورنز مشهور است. این منحنی تناظر واقعی بین دو متغیر برای مثال بین درصد کل درآمد و درصد صاحبان درآمد یا بین درصد بهره برداران از زمین و درصد زمین را نشان می دهد. در این منحنی خط قطر  $AB$  نشان دهنده برابری مطلق یا توزیع کاملاً برابر است، یعنی هر نقطه روی این خط بیانگر درصد مساوی دو متغیر مثلاً درصد درآمد و درصد جمعیت است. نقاط روی خط شکسته  $ABC$  که دو ضلع دیگر مثلثی را که منحنی در آن واقع شده است، تشکیل می دهد نشان دهنده توزیع کاملاً نابرابر است؛ به عبارت دیگر هر چه منحنی از خط قطری یا از خط برابری کامل فاصله بگیرد نشان دهنده افزایش نابرابری در توزیع و نا متعادل تر شدن آن است و بر عکس هر چه منحنی به سمت خط قطری حرکت کند بیانگر افزایش برابری در توزیع است؛ بنابراین موقعیت منحنی روی محور مختصات حالتی از توزیع، از برابری کامل تا نابرابری کامل را نشان می دهد (شکل ۲).



شکل ۲: منحنی لورنز

### ضریب جینی

مقدار تعادل یا عدم تعادل در توزیع، به وسیله ضریب جینی بیان می شود که به طرق مختلف و از جمله با توسل به منحنی لورنز قابل محاسبه است. ضریب جینی بر اساس نسبت سطح داخل منحنی یعنی مساحت  $ABO$  به سطح کل مثلث یعنی مساحت  $ABC$  بیان می شود. این ضریب بین صفر و یک در نوسان است. صفر زمانی است که منحنی منطبق بر خط قطری مربع باشد که در این صورت بیانگر تعادل کامل در توزیع دو متغیر نسبت به یکدیگر است. زمانی که منحنی منطبق بر دو ضلع مثلث مذکور باشد و کل سطح مثلث در داخل منحنی قرار گیرد، در آن صورت بیانگر عدم تعادل کامل در نسبت توزیع دو متغیر است. بنابراین ضریب جینی

که آن را با  $G$  نشان می دهند بهترین شاخص اندازه گیری نابرابری توزیع است؛ برای مثال اگر در بررسی توزیع درآمد  $G=0$  باشد به این معنی است که تمام افراد جامعه درآمد یکسانی دارند، و اگر  $G=1$  باشد به این معنی است که یک درصد افراد جامعه تمام درآمد را در اختیار دارند. باید اضافه کرد که منحنی لورنز و ضریب جینی نشان دهنده سهم گروه های مختلف جمعیت از درآمد یا هر توزیع دیگری نیز است. ضمن اینکه از طریق محاسبه ضریب جینی در دوره های زمانی مختلف برای یک موضوع می توان روند توزیع را نیز مشخص کرد (جمعه پور، ۱۳۸۹، ۲۴۸-۲۵۰).

### بحث و نتیجه گیری

امروزه به موازات تحولات در زمینه های مختلف، شاهد افزایش نابرابری ها در عرصه های مختلف، از جمله نابرابری های فضایی هستیم (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۶). در واقع الگوی توزیع و دسترسی نامناسب خدمات عمومی از جمله عواملی است که موجب محروم ماندن برخی افراد از امکانات و زیر ساخت ها و پیامدهای منفی آنها می باشد (مرصوصی، ۱۳۸۳). از این رو است که ضرورت برنامه ریزی مکانی برای کاهش نابرابری ها از طریق برنامه های متعدد، محرومیت زدایی و گسترش همه جانبه جنبه های مثبت توسعه به طور عملی مطرح شده است (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۶).

بر این اساس برقراری ارتباط منطقی و هماهنگی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی روستایی برای نیل به پایداری، عدالت فضایی و توسعه پایدار روستا، ضروری به نظر می رسد. چرا که سازمان فضایی متعادل در روستاها، نوعی از پایداری روستایی است که این پایداری زمانی محقق خواهد شد که هماهنگی و سازگاری منطقی بین پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در روستاها به وجود آید.

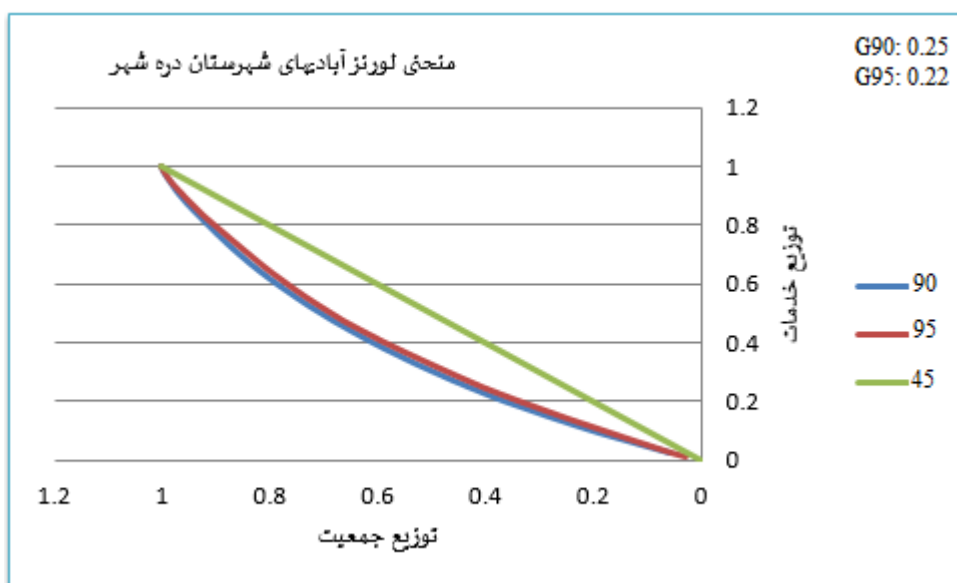
همانطور که قبلاً ذکر شد در این تحقیق به بررسی وضعیت توزیع خدمات مناطق روستایی استان ایلام به تفکیک شهرستان ها پرداخته شده است و برای آبدیهای هر کدام از شهرستان ها نیز در محیط *EXCEL* ضریب جینی بدست آمده و منحنی لورنز آنها ترسیم شده است که بیانگر برابری و نابرابری در توزیع خدمات این آبادیها می باشد. در اینجا نیز منحنی لورنز و ضریب جینی ( $G$ ) هر کدام از شهرستان های استان آورده شده است.

هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع خدمات را نشان می دهد و بالعکس هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد یک باشد، توزیع نابرابر خدمات را مشخص می کند (( اگر ضریب جینی مساوی با عدد صفر باشد یعنی همه خدمات یکسان دارند (برابری مطلق) و اگر مساوی با عدد یک باشد یعنی نابرابری مطلق به گونه ای که خدمات تنها در دست یک نفر است و مابقی هیچ خدماتی ندارد)). به فرض مثال ضریب جینی آبادیهای شهرستان دره شهر (شکل ۳) در سال ۹۰، ۲۵، ۰ و در سال ۹۵، ۲۲، ۰ بوده

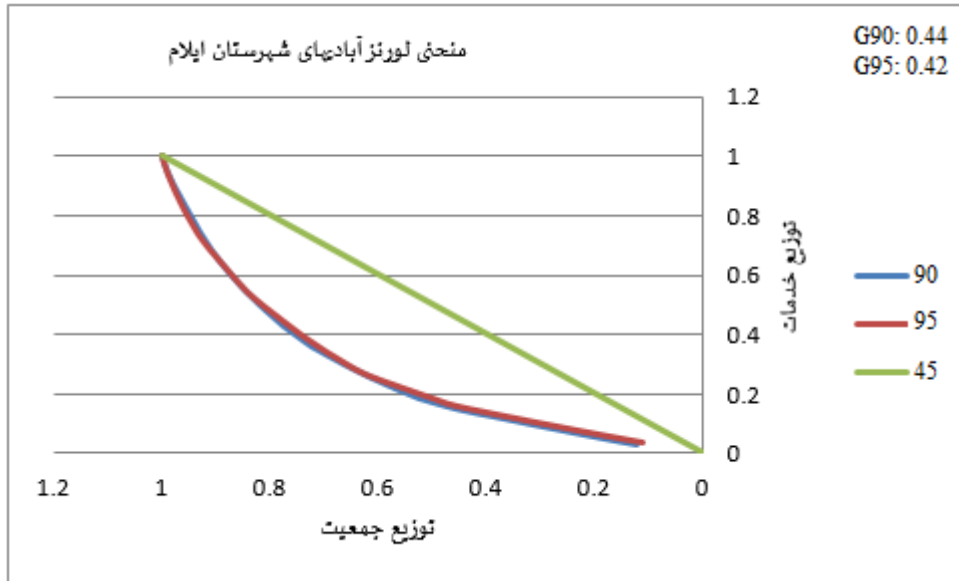


که نشان می دهد که در سال ۹۵ برابری بیشتری در توزیع خدمات وجود داشته است و در سال ۹۰ برعکس (نابرابری در توزیع خدمات). همینطور برای سایر شهرستان های استان اینطور تفسیری می توانیم داشته باشیم.

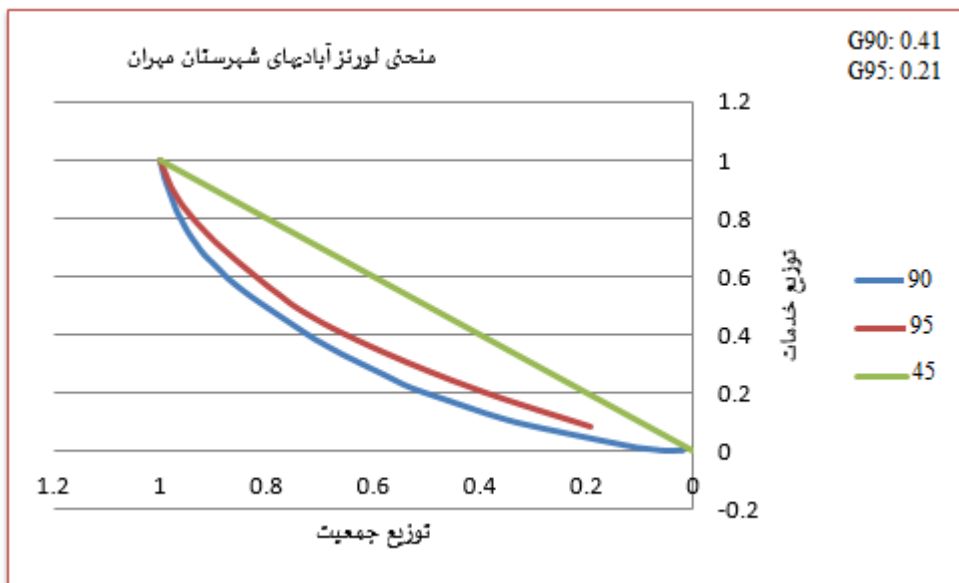
در شهرستان های ایلام، مهران، ایوان مانند آبادیهای شهرستان دره شهر که در بالا توضیح داده شد در سال ۹۰، در توزیع خدمات نابرابری و در سال ۹۵ برابری بیشتری در توزیع وجود داشته است و برای شهرستان شیروان و چرداول در دو سال ۹۰ و ۹۵ تقریباً در توزیع خدمات تغییری به وجود نیامده است. اما در آبادیهای دو شهرستان دهلران ( $G90: 0.32$  و  $G95: 33$ ) و آبدانان ( $G90: 0.23$ ،  $G95: 0.32$ ) عکس سایر شهرستان های استان اتفاق افتاده است. به شکلی که در سال ۹۰ برابری بیشتری در توزیع خدمات و در سال ۹۵ نابرابری در توزیع وجود داشته است. که این تغییر (در توزیع خدمات) در شهرستان آبدانان به دلیل کاهش جمعیت در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۰ بیشتر بوده است.



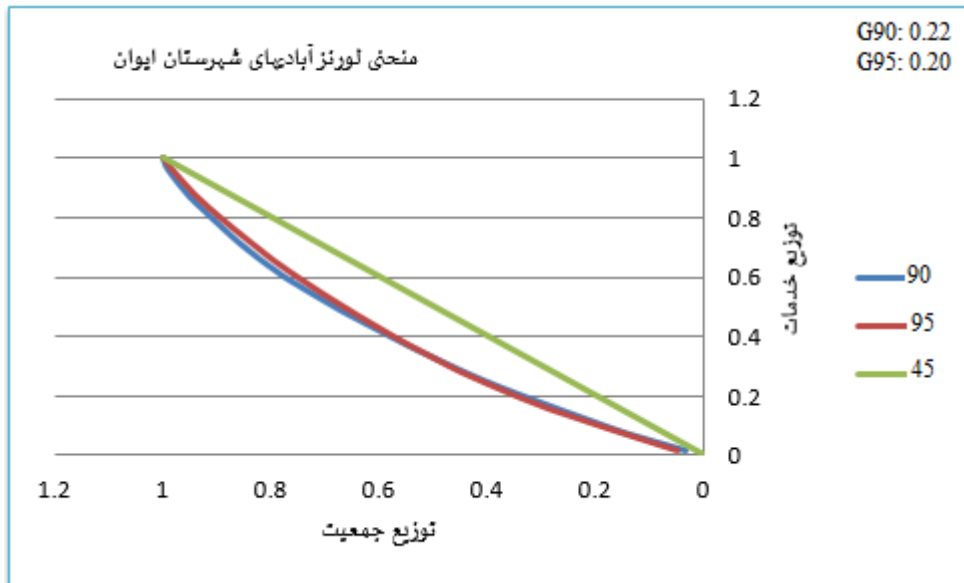
شکل ۳: شهرستان دره شهر



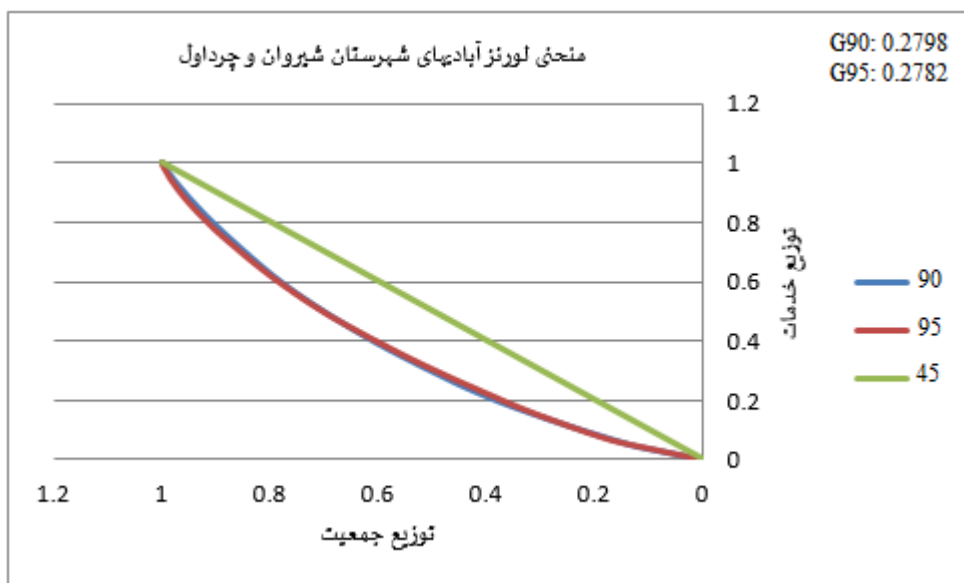
شکل ۴: شهرستان ایلام



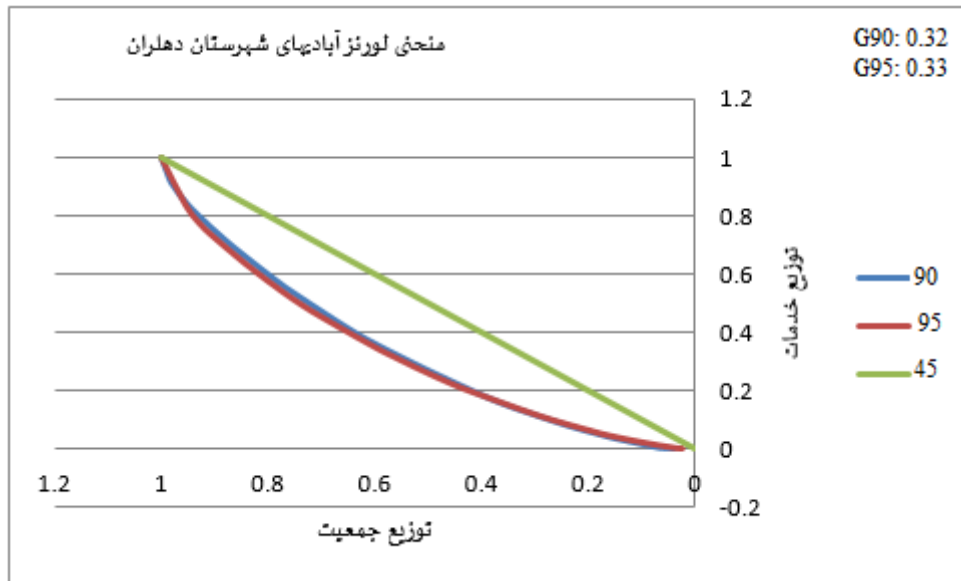
شکل ۵: شهرستان مهران



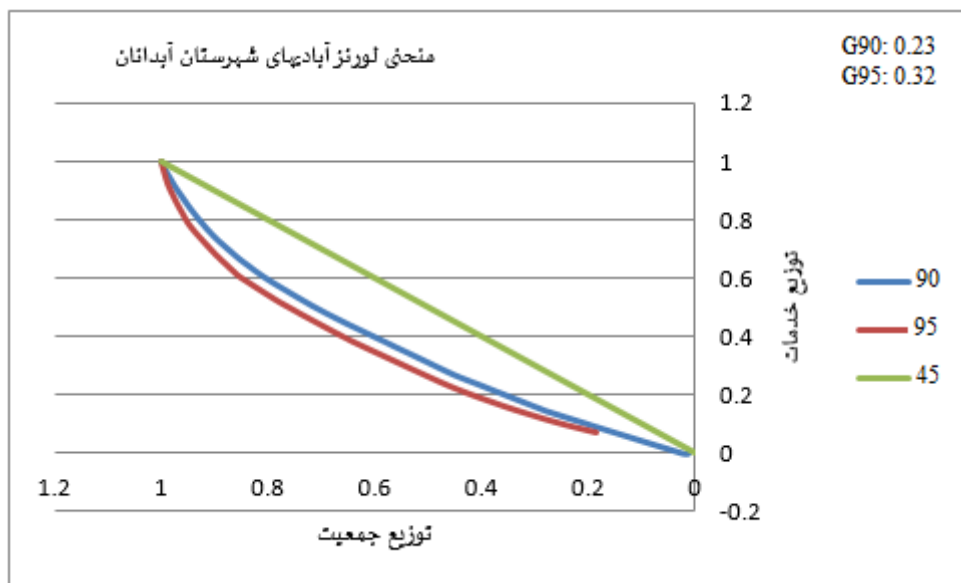
شکل ۶: شهرستان ایوان



شکل ۷: شهرستان شیروان و چرداول



شکل ۸: شهرستان دهلران



شکل ۹: شهرستان آبدانان

استان ایلام از جمله استانهایی است که تراکم جمعیت سکونتگاههای روستایی آن به موازات توزیع خدمات و امکانات زیربنایی، آموزشی، بهداشتی، نمی باشد. بر اساس ضریب جینی و منحنی لورنز پراکنش جمعیت در سکونتگاههای روستایی این استان در سال ۱۳۹۰، به صورت نامتعادل و در سال ۱۳۹۵ به دلیل کاهش جمعیت به دلیل مهاجرت روستاییان برعکس است. در واقع در این استان فضاهایی که بیشترین تراکم جمعیت را دارا می باشند از کمترین سطح برخورداری خدمات و امکانات برخوردارند و بالعکس. وجود چنین امری منجر به نابرابری در فضاها و در نتیجه توسعه ناپایدار روستایی می شود. بر اساس هدف پژوهش؛ بررسی ارتباط بین

پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی روستایی این استان، و بر مبنای یافته ها می توان مدعی شد که در این استان چنین ارتباطی نابرابر می باشد. در صورتی که جهت دستیابی به توسعه و عدالت پایدار روستایی نیاز است این ارتباط (تراکم جمعیت و توزیع فضایی خدمات) متقابل و دو سویه (برابر) باشد. لذا در راستای دستیابی به توسعه درونگرایی عدالت محور پایدار نیاز است خدمات و امکانات متناسب با میزان تراکم جمعیت در نظر گرفته شوند. در صورت وجود چنین امری است که می توان از مهاجرت، فقر و محرومیت در نواحی روستایی جلوگیری به عمل آورد و به سوی پایداری حرکت کرد.

## منابع و مأخذ

- آسایش، حسین (۱۳۸۱) اصول و روش های برنامه ریزی روستایی، انتشارات پیام نور، تهران.
- تابعی، آرمان، صادقی، حسین، احسان خواه، مهدی (۱۳۹۴) بررسی عدالت فضایی بهره مندی از خدمات عمومی در شهرستان های استان کردستان با رویکرد توسعه ی پایدار، همایش بین المللی جغرافیا و توسعه ی پایدار، موسسه ی سفیران فرهنگی مبین، بر گرفته از [http://www.Civilica.com/paper-GEOGRA01GEOGRA01\\_039.html](http://www.Civilica.com/paper-GEOGRA01GEOGRA01_039.html).
- جمعه پور، محمود (۱۳۸۹) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه ی روستایی: دیدگاه ها و روش ها، انتشارات سمت، تهران.
- خاکپور، براتعلی (۱۳۸۵) سنجش میزان توسعه یافتگی دهستان های شهرستان شیروان به منظور برنامه ریزی ناحیه ای، مجله ی جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره هفتم، صص ۱۴۵-۱۳۳.
- دهقان، حسین (۱۳۸۶) فرصتها و تهدیدها برای آموزش و پرورش در مواجهه با نابرابری فضایی در فن آوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱، صص ۱۶۳-۱۲۵.
- رستمی، علی، بهره مند، سلیمان، سادات موسوی، سمیه (۱۳۹۴) تحلیل توزیع فضایی خدمات و جمعیت در سکونتگاه های روستایی مورد مطالعه: استان کیگیلویه و بویر احمد، همایش بین المللی جغرافیا و توسعه پایدار، صص ۱۸-۱.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶) توسعه و تضاد، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، ایزدی خرامه، حسن (۱۳۸۰) تحلیلی بر رویکرد مکانیابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی، بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) و مدل ها تخصیص مکانی (LA)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲، صص ۶۶-۳۰.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۸۹) اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران.

- سعیدی، عباس (۱۳۸۸) الگوهای خدمات رسانی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.
- شریف زادگان، محمد حسین، ممدوحی، امیر رضا، لای، مریم (۱۳۸۹) نابرابری فضایی در دسترسی به خدمات درمان عمومی برای توسعه سلامت شهری از طریق مدل در *P-median* در شهر اصفهان، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۸۵-۲۶۵.
- شکور، علی، خورسندنی، محمد علی، صفرپور، میثم (۱۳۹۲) تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح بندی روستاهای بخش درودزن مرودشت، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال ۲، شماره ۵، بهار، صص ۷۹-۶۳، ۱۳۹۲.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، نصیری، حسین، حمزه، محمد، رفیعی، یوسف، سلمانوندی، شاهپور (۱۳۸۹) تحلیل تناسب اراضی به منظور استقرار مراکز خدمات روستایی با استفاده از روش های *PROMETHEE II*، مجله توسعه روستایی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۱۸-۹۵.
- مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۳) تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، ماهنامه پژوهشی آموزشی شهرداریها، شماره ۶۵، انتشارات سازمان شهرداریها.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵.
- معزی، اسدالله (۱۳۷۱) مبانی جمعیت شناسی، مؤسسه آوای نور.
- مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۸۹) ناهماهنگی در توزیع مکانی جمعیت ایران، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۲ و ۷۱، صص ۶۳-۴۵.
- مهدوی، مسعود (۱۳۷۳) مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- نوربخش، فرهاد (۱۳۸۲) توسعه انسانی و نابرابری های منطقه ای در ایران؛ الگویی برای سیاستگذاری، اقتصاد سیاسی، شماره ۲.
- Dupont v( 2007) *Do Geographical Agglomeration, Growth and Equity Conflict?* *Regional Science, Vol. 86. 2(June).*
- Martic, M. and Savic, G., 2001, *An application of DEA for comparative analysis and ranking of regions in Serbia with to social development* *European Journal of Operational Research, No. 132, pp. 132, 143-156.*
- Shankar R, Shah A (2003) *Bridging the Economic Divide Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities, World Development, Vol. 31, No. 8, pp. 1421-1441.*
- Smith D M (1994) *Geography Social justice, Oxford: Blackwell.*